

# «نسخ خطی از تقویم تا فهرست نگاری»

## در گفت و گو با استاد انوار

• فریبا افکاری

دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران

گفت و گوئی حاضر، حاصل نشست طولانی مدت با استاد سید عبدالله انوار، فهرست‌نگار، مصحح و نسخه‌شناس برجسته کشور است. ایشان از تجارب ارزشمند سالیان دراز خدمت خود در کتابخانه ملی سخن گفتند و دقایق و نکته‌های گرانسنگی را متذکر شدند که در گفت و گوئی حاضر به صاحب‌نظران و علاقه‌مندان تقدیم می‌گردد.



ارائه می‌دهد که نظیرش در مورد شخص دیگر هم صادق است، مانند اجاره نامچه‌ها و عقدنامه‌ها. در اینجا یک قیمت واحد برای آن سند تعیین می‌شود که هر دو مالک باید آن را بپذیرند. اما برخی از اسناد دارای تزیناتی مانند تذهیب، تشعیر و غیره است. در حال حاضر برای تذهیبات قیمتی معین کرده‌اند که این قیمت تا حدی علمی است. البته اینکه تذهیب بوسیله چه کسی انجام شده باشد، و به چه دوره‌ای بازگردد در قیمت‌گذاری مؤثر است. قیمت‌گذاری کتب خطی در مورد اشخاص حقیقی نیز به دو عامل بستگی دارد. نخست حاجت آن شخصی است که آن را می‌خرد و دوم حاجت فروشنده است. البته بین این دو عامل باید تلفیقی ایجاد شود. حاجت خریدار نیز به دو صورت است. یکی

■ استاد شما تجربیات با ارزشی در تقویم اسناد و نسخ خطی دارید، به نظر جناب عالی چه عناصری در ارزش‌گذاری نسخ خطی دخیل هستند؟

□ اگر کتاب‌های اقتصاد را ورق زده باشید، مشاهده می‌کنید که دو عنوان درباره قیمت اشیاء وجود دارد. نخست قیمت مبادلاتی و دیگری ارزش شخصی که به آن Privet Value گفته می‌شود. البته اساس علم اقتصاد قیمت مبادلاتی است که در مورد آن تئوری‌های متعددی هم مطرح می‌شود. از جمله تئوری آدم اسمیت که در این تئوری قیمت اشیاء براساس کاری که بر روی آن انجام شده است، محاسبه می‌گردد.

مارکسیست‌ها از این تئوری تبعیت می‌کنند. اما شارل ژید، اقتصاددان دیگر می‌گوید براساس آخرین نافعیت است. امروزه خانم جانسون و اقتصاددانان جدید معتقد هستند که قیمت محل برخورد منحنی عرضه و تقاضاست و آن قیمت را مشخص می‌کند. اما در مورد قیمت ارزش‌های شخصی، هیچ کلیتی وجود ندارد، زیرا ممکن است شیئی در نظر شخصی میلیاردها ریال ارزش داشته باشد، ولی از نظر دیگری هیچ‌گونه ارزشی نداشته باشد. منتها به نظر می‌رسد که جدیداً بین این دو نوع، قیمت دیگری نیز بوجود آمده است که قیمت‌گذاری اشیایی مانند وسایل قدیمی، کتب و نسخ خطی و اسناد است که نمی‌توان برای آن‌ها دو نوع ارزش شخصی و مبادلاتی قائل شد؛ بلکه قیمت ثالثی هم مطرح شده است و تا آنجا که بنده اطلاع دارم برای تعیین این قیمت‌ها دو، سه نوع عمل می‌شود. نخست، در مورد اسناد شبیه به هم، مانند سندهایی که یک فرد

پیدا کند و از جنبه شخصی به عمومی برسد، در آن صورت است که می‌توان قواعدی را مشخص کرد. در این صورت هم ممکن است در زمان مبادله، فروشنده حاضر نشود. اگر شما در جلسات خرید و فروش شرکت کرده باشید حتماً مشاهده کرده‌اید که قیمتی برای فروش تعیین می‌شود، اما فروشنده به آن قیمت راضی نیست و آن را نمی‌فروشد. همان‌طور که گفتیم قیمت جنبه شخصی دارد و قیمت واقعی نیست. البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد. هنگامی که نسخه خطی به چاپ برسد، قیمت آن تا حدی پایین می‌آید، مگر آنکه خصوصیات آن نسخه خیلی قابل اهمیت باشد و یا واجد خصوصیتی باشد که نسخ قبلی نداشته باشند. البته هر چقدر تعداد یک نسخه کم‌تر باشد بدون تردید قیمت آن افزایش می‌یابد، اینجا می‌توان از قانون مثل فلسفی استفاده کرد که تغییر کمیت موجب تغییر کیفیت می‌شود.

ای بسا نسخه‌های منحصر بفردی که به قیمت‌هایی به فروش می‌رسد که باور کردنی نیست، زیرا کمیت پایین و کیفیت بالا رفته است. چنانچه بالعکس این موضوع هم صادق است، یعنی اگر از یک نسخه ده مورد موجود باشد، مطمئناً قیمت آن کمتر از آن موقعی است که از آن کتاب یک نسخه داشته باشیم.

■ در طول سال‌های حضور جناب‌عالی در کتابخانه ملی، فرآیند خرید و فروش و تقویم نسخ خطی توسط شما و یا مسؤولان کتابخانه ملی چگونه بوده است؟

□ زمانی که در کتابخانه ملی خدمت می‌کردم به واسطه فقر کتابخانه، هیچ کتابی خریداری نشد، و دید دستگاهی که ما در آنجا کار می‌کردیم نسبت به کتب و نسخ خطی بسیار بد بود. در حقیقت این مسأله را امری می‌دانستند که موضوع آن مرده است و نگهداری امر مرده، کار صحیحی نیست. تنها کاری که توانستیم انجام دهیم این بود که نسخ موجود به بیرون از کتابخانه منتقل نشود و در همان مکان نگهداری گردند، در نتیجه، این نسخ را فقط نگهداری و فهرست‌برداری کردیم. تا زمانی که بنده در کتابخانه ملی بودم، کتابی خریداری نشد و کتاب‌های جدید نیز غالباً اهدایی بود.

■ مرحوم دکتر بیانی در مقاله‌ای از نسخه ارزشمند هدایة‌المعلمین ابوبکر اخوینی یاد می‌کند و اظهار تأسف می‌نماید که نتوانستند از خروج این کتاب از کشور جلوگیری کنند. این کتاب هم‌اکنون در «کتابخانه بادلیان» نگهداری می‌شود که به دلایلی از دست رفت، البته نمونه‌هایی از این دست زیاد است. اولین جلسه رسمی تقویم که جناب‌عالی در کتابخانه ملی حضور

آنکه سندی که ابراز می‌شود، متعلق به خود آن شخص است و این شخص آن را برای خانواده‌اش می‌خواهد یا اینکه کتاب مورد نظر دو جلدی بوده و وی یک جلد آن را دارد و به دنبال جلد دوم است. پس به این ترتیب مشتاق کامل کردن مجلدات کتاب است، به همین دلیل ممکن است قیمت بالایی را هم پیشنهاد کند. بدین ترتیب هیچ ملاکی وجود ندارد که مشخص کند قیمت مبادله شده درست است یا خیر. در واقع تمایل و خواست خریدار و فروشنده تعیین‌کننده است.

در مورد کتابخانه‌ها نیز به دو عامل بستگی دارد: اول اینکه کتابخانه‌ای برای تکمیل سری کتاب‌هایش، حاضر است قیمت بیشتری بپردازد. دوم آنکه از کتاب عرضه شده یک دوره کامل یا نسخ دیگری دارد که در این صورت بین فروشنده و خریدار قیمتی توافقی تعیین می‌شود.

به طور کلی از آنجا که این نوع مبادلات در حال افزایش است، به طور قطع در آینده برای این نوع کارها ملاک‌هایی در نظر گرفته می‌شود. همان‌طور که «شارل ژید»، آخرین نافعیت و «آدام اسمیت» براساس میزان کار ارزش کالاها را تعیین می‌کنند که بعدها کتابداران هم از این ملاک استفاده می‌کنند. اما همین کتابی هم که قیمت آن معین شده است، ممکن است دارای خصوصیات مخصوص خودش باشد؛ مثلاً به خط خوشنویس معروفی باشد که در قیمت‌گذاری باید همه پارامترها لحاظ شوند.

البته همه موارد مطرح شده، شاید تا زمانی که در عمل بکار گرفته نشوند، مشکل بنظر برسد، ولی با ممارست در خرید و فروش، تجربه «تقویم» بدست می‌آید و می‌توانید قیمت‌گذاری کنید. زمانی که این تجربه در مقومین وجود داشته باشد، دیده می‌شود که اغلب آن‌ها یک کتاب را در حدود هم قیمت‌گذاری می‌کنند، بدون اینکه از نظر هم مطلع باشند.

■ به نیازهای خریدار و فروشنده و تناسب بین آن‌ها اشاره فرمودید که قیمت را تعیین می‌کند. اما قیمت واقعی نسخه چگونه در نظر گرفته می‌شود؟ مثلاً دیوان حافظ که به قلم خطاط مشهوری کتابت شده و نسخه کهنی است، بدون توجه به نیاز خریدار و فروشنده چگونه ارزیابی می‌شود؟

□ در این مورد هم، زمانی که کتاب به مبادله برسد، خواسته‌های مبادله‌کنندگان در آن مؤثر است. ای بسا نسخه‌های درجه یکی که به فردی رسیده که از قیمت واقعی نسخه بی‌اطلاع بوده است و آن را یا به قیمت بسیار ارزان فروخته و یا نابود کرده است. در واقع اینجاست که در ارزش شخصی چنانچه که از لغت شخصی هم برمی‌آید، خواست شخص‌های مبادله‌کننده در آن دخالت دارد. مگر اینکه کم‌کم بازار عمومیت

□ بلکه همه این موارد می‌تواند در تعیین قیمت مؤثر واقع شود، ولی قیمت‌گذار، چون نمی‌داند برای ایجاد این نسخه چقدر زمان و کار صرف شده است، نمی‌تواند بدروستی قیمت‌گذاری کند، به همین دلیل مقومین قیمت‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. قیمت‌های متفاوت مقومین باید جمع‌آوری شود و حد وسط آن گرفته شود تا قیمت کتاب مشخص شود.

■ مشکلی که در بین مجموعه‌داران و مالکان نسخ خطی وجود دارد این است که آنان می‌پندارند نسخه‌ای که در اختیار آن‌هاست، بسیار ارزشمند و منحصر بفرد است و نمونه دیگری ندارد، لذا همین عدم شناخت موجب پیشنهاد قیمت‌های غیر واقعی می‌شود، نظر شما چیست؟

□ بله، به همین دلیل است که بین مقومین و نسخه‌فروشان اختلاف ایجاد می‌شود. به خاطر دارم که مرحوم ذکا، دانش پژوه و دکتر امین‌ریاحی و بنده در جریان تشکیل کتابخانه نسخ خطی در دوران پهلوی دوم و خریداری نسخ خطی آن نظر می‌دادیم که در حال حاضر همه این کتاب‌ها به کتابخانه ملی واگذار شده است. روش کار به این ترتیب بود که در روز قیمت‌گذاری، کتاب‌ها بدون فروشندگان آن‌ها آورده می‌شد تا وجود شخص فروشنده در تعیین قیمت‌اثر نگذارد و مشکلی ایجاد نکند. پس از آنکه ما قیمت‌گذاری می‌کردیم، مدیر کتابخانه، قیمت را با خریدار مطرح می‌کرد، اگر راضی بود، می‌فروخت. در غیر این صورت کتاب‌هایش پس داده می‌شد.

■ کتاب‌های خطی مجموعه پهلوی این گونه تهیه شد؟  
□ بله. مجموعه خطی پهلوی دوم با این هدف شکل گرفت که به کتابخانه‌ای تبدیل شود تا سایر کتابخانه‌های ملی و ... را جزو این مجموعه بیاورد. مثلاً کتابخانه ملی، کتاب‌های خطی کاخ گلستان و مجلس را ضمیمه این کتابخانه کنند، ولی قضیه برعکس شد و تمام کتاب‌هایی که خریداری شده و حدود هفت هزار نسخه بود به کتابخانه ملی واگذار گردید.

■ برای گردآوری و خرید آثاری که هنوز در مجموعه‌های شخصی و نزد مردم است، چه باید کرد؟ چگونه می‌توان اطمینان مردم را برای اهدا و فروش این نسخه‌ها به کتابخانه‌ها جلب کرد؟  
□ به نظر من مردم اعتماد چندانی ندارند. از این جهت که حتی نسخه‌های خودشان را نیز مخفی می‌کنند. البته ممکن است در آینده با ارتقای شناخت مردم به کتابخانه‌ها و مجموعه‌ها و علاقه‌مندی به کشورشان این امر صورت گیرد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، امروزه افراد فرهیخته کتابخانه‌هایشان را وقف کتابخانه‌های سراسری و ملی می‌کنند. اما تا زمانی که

داشتید و به شکل رسمی برگزار شد، در چه زمانی و از چه کسانی تشکیل شده بود؟

□ عده‌ای کتاب‌هایی را آورده و عرضه کردند و قیمت می‌خواستند. مرحوم نخجوانی، سلطان‌القرایی و گاهی مرحوم اصغر مهدوی و مدرس رضوی نیز حضور داشتند. برخی اوقات جلسه‌ای تشکیل می‌شد که حتی به خرید هم ابراز تمایل می‌کردیم، اما چون قیمت آن‌ها بالا و ما بودجه‌ای نداشتیم، خریدی صورت نمی‌گرفت.

#### ■ روش تقویم چگونه بود؟

□ کتاب را همه می‌دیدند. هر کس به جنبه‌ای از کتاب توجه داشت، مثلاً مرحوم نخجوانی و سلطان‌القرایی به جنبه‌های نسخه‌ای آن توجه می‌کردند. گاهی اوقات مرحوم مینوی و زریاب‌خویی شرکت داشتند و به جنبه موضوعی توجه می‌کردند.

■ ظاهراً اخیراً در کتابخانه ملی کتاب‌های زیادی خریداری شده است؟

□ گفته می‌شود جدیداً بودجه‌های هنگفتی در اختیار کتابخانه ملی قرار گرفته است و کتاب‌های زیادی خریداری شده که بسیار هم خوب است، ولی من هیچ گونه اطلاعی از آن ندارم.

■ به نظر شما تدوین اصولی برای شناخت و ارزیابی نسخه امکان‌پذیر است؟ یا می‌توان استانداردهایی را برای بررسی نسخه‌ها در نظر گرفت؟

□ بله، اما باید آرای عده‌ای را در این مورد در نظر گرفت و جمعی بین آرا انجام داد و قیمتی را مشخص کرد، ولی با این وجود کار آسانی نیست. این مسأله بسیار به تعیین قیمت «ارش» در فقه نزدیک است و تئوری‌های متعددی دارد. در آنجا گفته می‌شود باید مجموع آن‌ها حاصل شود، یعنی مجموع آرا جمع و تقسیم بر تعداد شود. اگر دو نفر بودند قیمت‌ها را جمع و تقسیم بر دو کنند و الی آخر.

آن وقت اگر کتابی درجه یک بود، ارش را در مجیب و صحیح می‌آوردند. در اینجا می‌توان گفت که بین نسخه‌های درجه پایین و درجه بالا می‌توان چنین رابطه‌ای را برقرار کرد.

■ به عقیده جناب عالی روشی که در فقه وجود دارد را می‌توان کاملاً در نسخه‌شناسی اعمال کرد؟ مثلاً تفاوت ارزشی یک نسخه هنری که جلد و خط آن بسیار ارزشمند است، با نسخه دیگری که نه سرلوح و تذهیب دارد و نسخه گمنام و یا جنگ با ارزشی است، چگونه است؟



**امروزه افراد فرهیخته کتابخانه‌هایشان را وقف کتابخانه‌های سراسری و ملی می‌کنند. اما تا زمانی که توده مردم به این مرحله کمال و معرفت نرسیده‌اند، امیدی به وقف و شناسایی این نسخه‌ها نمی‌رود**

همین ما شماره‌های دفترهای ثبتی را یادداشت کردیم که در آن قسمت می‌توانید نام فروشندگان را پیدا کنید. امروزه در چند فهرستی که برای من فرستادند، ملاحظه کردم که خیلی روی این کار تأکید می‌شود که نسخه از کجا آمده و مال چه کسی بوده است. این مورد بیشتر در فهرست‌های آیت‌الله مرعشی رعایت می‌شود.

■ آیا ذکر این ویژگی، نشان‌دهنده اهمیت نسخه‌ها نیست که هر نسخه‌ای در چه کتابخانه‌ای و مالکان آن چه کسی بوده است و اکنون در کجاست؟

□ همین طور است. این مسأله نشان می‌دهد که این نسخه در دست بسیاری از فضلا بوده و از روی آن خوانده و حواشی و یادداشت کرده‌اند که از این طریق ارزش نسخه افزایش می‌یابد.

■ گاه بوسیله معرفی فهرست‌نگار از یک نسخه، بسیاری از نسخه‌های دیگری که از همین کتابخانه پراکنده است، شناسایی می‌شود.

□ بله و اینها از مواردی است که ممکن است کمک کند تا نسخ دیگر شناسایی شود، یعنی نسخه‌ای بوسیله نسخه دیگر شناخته شود. تمام این عناصر در تقویم مؤثرند.

■ در ادامه این بحث، شناسایی و ثبت یادداشت‌های موجود در پشت این نسخه‌ها اعم از خرید، فروش، انتقال، مالکیت، و دست به دست گشتن‌ها، چگونه باید در نسخه‌شناسی فهرست منعکس شود و چه میزان ارزش تحقیقاتی دارد؟

□ به نظر من برخی نسخه‌ها حتی تا بیست مالک داشته و عوض کرده‌اند. اگر در بین خریداران، فرد خیلی مهمی باشد اسمش باید ذکر شود. اما اگر فهرست اجازه دهد و جا داشته باشد می‌توان اسم تمام آن‌ها را نوشت. در غیر این صورت اگر وضع

توده مردم به این مرحله کمال و معرفت نرسیده‌اند، امیدی به وقف و شناسایی این نسخه‌ها نمی‌رود.

■ در حال حاضر جلسات تقویم در کتابخانه‌های مختلف برگزار می‌شود. آیا لازم است تا نسخی که به تازگی خریداری می‌شود، معرفی و اعلام گردد؟

□ معمولاً در تقویم کتاب، لیست قیمت‌ها نوشته می‌شود و این لیست‌ها بهترین سند هستند. البته زمان هم در قیمت‌گذاری مؤثر است. قیمت کتاب‌هایی که در زمان رایج بودن کتابخانه‌های شخصی به فروش می‌رسد با قیمت کتاب‌هایی که اکنون خرید و فروش می‌شود، متفاوت است. به عبارت دیگر قیمت نسخه در زمان ناصرالدین شاه با اکنون متفاوت است. هم‌چنین واحد پول کشور هم مؤثر است. اگر ارزش پول یک مملکت پایین آمده باشد، روی قیمت نسخه و حتی نسخه‌های چاپی هم اثر می‌گذارد. بله، این کار بسیار سودمند است.

■ بسیاری از کتابخانه‌ها تمایلی ندارند تا نسخه‌هایی را که خریداری کرده‌اند، معرفی کنند، هم‌چنین فروشندگان نیز تمایل چندانی ندارند که معلوم شود این کتاب از مجموعه آن‌ها خریداری شده است.

□ بله، در فرهنگ ایرانی، فروش کالاهای فرهنگی یک نقص و عیب محسوب می‌شود، بخصوص فروش کتاب در خانواده‌هایی که جنبه علمی آن‌ها مطرح بوده است.

■ شما که خود فهرست‌نویسی این نسخ را انجام داده‌اید، تصور نمی‌فرمایید که بهتر است تا اطلاعات مربوط به چگونگی انتقال نسخ به کتابخانه‌ها تدوین شود؟

□ امروزه به این نکته توجه می‌شود، اما زمانی که ما فهرست‌برداری می‌کردیم، جای نسخه‌ها مشخص نبود، مگر برخی از آن‌ها که در دفترهای ثبتی مشخص شده بود. برای

فهرست اجازه ندهد فقط اسامی مالکان مهم ذکر می‌شود.

■ بسیاری از کتابخانه‌های بزرگان از بین رفته و فروخته و یا اهدا شده‌اند. مثل کتابخانه مرحوم نفیسی، نصیری، دکتر مفتاح فرهاد میرزا و بسیاری از کتابخانه‌های دیگر که اکنون پراکنده است. این‌ها کتابخانه‌هایی هستند که با زحمت بسیار تهیه شده‌اند، ولی امروزه پراکنده‌اند، آیا راهی وجود دارد که فهرستی جامع از کتاب‌های پراکنده در کتابخانه‌ها به نحوی جمع‌آوری و منتشر شود؟

□ هر قدر این نسخ شناسایی و بیشتر عرضه شود، اهمیت آن برای یک کشور بیشتر است و یا برای آن علمی که دارد روی آن‌ها کار می‌شود. غالباً این کتاب‌ها در هنگام فهرست‌برداری اگر علائمی داشته باشد به آن اشاره می‌شود که این کتاب از چه کتابخانه‌ای بوده است. اگر اینها جمع‌آوری و معرفی شود بسیار خوب است و البته بخشی از تاریخ آن نسخه یا کتابخانه‌ای می‌شود که دیگر امروز وجود ندارد و می‌توان به آن از طریق معرفی همین کتاب‌ها دست یافت و شناخت پیدا کرد.

■ شما در نسخه‌شناسی فهرست‌های خود به نکات دقیقی اشاره فرموده‌اید، تصور می‌کنید کدام ویژگی‌ها و عناصر در گذشته مورد توجه قرار نگرفته‌اند، ولی اکنون باید به آن‌ها توجه شود.

□ مواردی که خواهیم گفت جزو استانداردهایی است که اگر رعایت نشود، ضعف محسوب می‌شود. در نسخه‌شناسی باید لایه‌های هنری آن مانند تذهیب‌ها تا آنجا که ممکن است، توضیح داده شود در نسخه‌های ارزشمند باید نوع خط که مثلاً ریحان یا ثلث است، مشخص شود. همچنین اشکال و نقاشی‌ها را کاملاً نشان داد، لازم است نوع جلد شناسایی شود، که جلد لاک‌ی یا سوخته یا چرمی است، عناوین روی جلد‌ها باید ذکر شود. برخی جلد‌ها در دامنه‌اش یا در کوییده‌ها در نقطه برخورد دو طرف غالباً اسم صحاف آمده است که باید در فهرست بیاید. این‌ها ارزش نسخه را بالا می‌برد. غالباً هر کتابی مقداری خصوصیات نسخه‌شناسی دارد که هر فهرست‌نگاری باید آن‌ها را ذکر کند، همچنین می‌بایست به اشعار و جداول و انجامة و امثالهم توجه شود.

■ در مورد کتابخانه‌هایی که وقف است چه شخصی و چه دولتی چه باید کرد؟

□ هیچ جایگاه قانونی ندارد و بسیاری خرید و فروش می‌شوند. وقف از مواردی است که هیچ‌گاه یا حتی تا به امروز جزو عقد یا ایقا است و غالباً می‌گویند امر ایقایی است و حق مبادله و مبیاعه ندارد.

اما متأسفانه بسیاری هستند که مال وقفی را می‌فروشند. حتی بنده نسخی را دیده‌ام که در پشت جلدش لعنت کرده بود کسی را که آن را بفروشد، ولی فروخته و فهرست شده بود. بسیاری از آن‌ها در موزه ایران باستان قرار دارد. بخصوص کتاب‌هایی که از کتابخانه شاه صفی‌الدین اردبیلی برداشته شده بود. شاه عباس کسی که این کتاب‌ها را بردارد نفرین کرده بود، ولی این کتاب‌ها را برداشته‌اند. تعدادی از آن‌ها هم زمانی که اردبیل به دست روس‌ها افتاده بود، به سن پترزبورگ انتقال داده شد که بسیار مجموعه مهمی است.

■ نظر جناب عالی در مورد کتابدارانی که کارشان نسخه خطی نیست و دغدغه‌ای برای شناسایی این نسخه‌ها ندارند، اما بعنوان بخشی از مجموعه کتابخانه‌ها باید این نسخه‌ها را بشناسند چیست؟

□ کتابداران و کسانی که با قواعد کتابداری آشنا نیستند، اصلاً نباید کتاب‌ها را فهرست کنند. همچنین کسانی که اصلاً اطلاعاتی از نسخه خطی ندارند، حتی اگر کتاب‌های چاپی را خوب فهرست کنند، اشتباه محض است که یک نسخه خطی در اختیارشان قرار گیرد. چنین شخصی خودش هم نباید چنین وظیفه‌ای را بپذیرد، زیرا نام نویسنده در قدم اول برای او گیج‌کننده است، چون نام نویسنده و نام خود کتاب در صفحه عنوان نیست. از این جهت فهرست‌نگاران نسخ خطی باید قواعد فهرست‌نگاری ویژه‌ای را بدانند و فهرست‌هایشان بازبینی و تصحیح شود تا برای انجام این کار مهارت پیدا کنند.

■ فقط فهرست‌نگار نسخه خطی نیست که باید با نسخه آشنایی کامل داشته باشد، حتی آن کتابدار مرجعی که کتاب را در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دهد نیز باید با این علم آشنایی کافی داشته باشد.

□ بله، وقتی که یک فهرست نسخه‌ای را عالی معرفی می‌کند، کتابدارای که کتاب را در دست خواننده قرار می‌دهد باید بداند نسخه‌ای را که تحویل می‌دهد، چه ارزشی دارد. اگر این نسخه ارزش زیادی دارد، آن را در اختیار هر مراجعه‌کننده‌ای قرار ندهد یا نسخه میکروفیلم یا عکسی آن را قرار دهد. اگر در اختیار مراجعه‌کننده هم قرار می‌دهد، احتیاط‌های لازم را

■ بدین ترتیب نسخه‌های وقفی هم خرید و فروش می‌شود؟

□ این مسأله بستگی به دیانت خریداران دارد. برخی در دین بسیار متصلبند و خرید و فروش وقف را «ذنب لایغفر» می‌دانند و برخی دیگر آن را امر تجاری می‌دانند و حتی دلیل می‌آورند که اگر ما از این نسخه‌ها نگهداری کنیم بهتر از آن است که کس دیگری نگهداری کند. این بستگی به دین و اراده طرف دارد.

■ آیا در سرویس‌دهی نسخ خطی به مراجعان محدودیت‌هایی وجود دارد، مانند نسخه‌های نایاب و منحصر بفرد. آیا قانونی در این مورد وجود دارد؟

□ تا آنجا که من اطلاع دارم، قانونی برای این کار نیست، ولی سرویس‌دهی در مورد نسخه‌های ارزشمند و منحصر بفرد و واجد صنایع هنری بسیار و سایر خصوصیتی که موجب قیمت بالای یک نسخه می‌شود، بستگی به ارائه‌دهنده و کتابدار و سیاست آن کتابخانه دارد. این متصدی باید نیاز مراجعه‌کننده را بشناسد. اگر متوجه شد مراجعه‌کننده فقط قصد دارد نسخه را ورق بزند و ببیند و نیاز مبرمی برای رؤیت نسخه وجود ندارد، نباید نسخه را در اختیارش قرار دهد، او می‌تواند از کپی یا عکس نسخه نیاز خود را برآورده سازد، حتی اگر به اختلاف هم برسند. اما اگر محقق بود که عکس نسخه مشکل وی را حل نکرده است، هیچ اشکالی ندارد که با نهایت دقت و نظارت خود کتابدار، اصل نسخه در اختیار محقق قرار گیرد و از آن بهره گیرد.

■ زمان خدمت جناب عالی در کتابخانه ملی، آیا محدودیتی برای سرویس‌دهی نسخ خطی وجود داشت؟

□ بنده برخلاف همه کسانی که در این زمینه امساک خاصی می‌ورزند، عمل می‌کردم. البته این افراد دو هدف داشتند یا می‌خواستند وقت خودشان را صرف کار کتابداری نکنند یا ذاتاً ممسک بودند. اما من با نظارت شدیدی که داشتم نسخه را در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دادم و در عین حال مواظب بودم که نسخه خراب نشود. در مورد نسخه‌هایی که منحصر بفرد بود و یا به نظر ارزشمند بودند، سعی می‌کردم در صورتی که به نسخه صدمه نرسد، فیلم و کپی از نسخه تهیه شود و اگر نمی‌شد، نسخه اصلی را با نهایت دقت در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دادیم.

■ در حال حاضر بسیاری از نسخه‌های خطی منحصر بفرد یا هنری در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار نمی‌گیرد، کتابخانه‌ها نیز نمی‌توانند همه آن‌ها را چاپ کنند. تعداد این نسخه‌ها آن قدر زیاد است که بودجه کتابخانه‌ها برای چنین کاری کفاف نمی‌دهد و متأسفانه نفیس‌ترین نسخه‌ها، متزوی‌ترین نسخه‌ها هستند، نه کسی به چاپ آن‌ها مبادرت می‌کند و نه اجازه استفاده از آن‌ها داده می‌شود. برای همین گمانم در گوشه‌ای از کتابخانه مانده‌اند، چه باید کرد؟

□ این موارد به نظر من بستگی به ارائه‌دهنده نسخه دارد. آدم ممسکی است که شاید خیلی چیزهای دیگر را هم در زندگی‌اش امساک کند، ولی اگر بداند که نسخه عیبی پیدا نمی‌کند و خواننده هم به آن نیاز شدید دارد و خود ارائه‌دهنده هم اهل کتاب بود و می‌داند نیاز مراجعه‌کننده به کتاب تا چه

رعایت کند. خوشبختانه فاکسیمیلیه کارها را بسیار آسان کرده است. در گذشته ما در کتابخانه ملی، نسخه‌های ارزشمند را به صورت کپی در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار می‌دادیم، مگر آن‌هایی که لازم بود تا اصل نسخه دیده شود که با نظارت کتابدار صورت می‌گرفت. اما به عمل دیده شده است اغلب امانت‌گیران نسخ خطی دلسوزی به خرج نمی‌دهند و حتی صحافی را بهم می‌ریزند. این است که باید بسیار دقت کرد. خوشبختانه تکنولوژی جدید مانند عکاسی، اسکن، فاکسیمیلیه نیز به کمک نسخه‌ها آمده‌اند.

■ به نظر شما آیا چاپ فاکسیمیلیه نسخه‌شناس را از مراجعه به اصل اثر بی‌نیاز می‌کند؟

□ به نوع فاکسیمیلیه بستگی است. اگر فاکسیمیلیه خیلی خوب انجام شده باشد تا حد زیادی نیاز به مراجعه اصل اثر را از بین می‌برد، ولی اگر مناسب نباشد باید به اصل اثر رجوع کرد تا کار متقن شود.

■ در آثار فاکسیمیلیه عناصر نسخه‌شناسی مانند کاغذ، رنگ و جلد چگونه شناسایی می‌شود؟ آیا نباید به اصل نسخه مراجعه کرد؟

□ بله. از آن جهت که نسخه‌شناسی است باید بر عناصر فیزیکی نسخه کار شود. امر جزئی به قول منطقیان نه کاسب است و نه محتسب. باید خود، جزئی شناسایی شود. یک تعریف کلی نمی‌توان ارائه کرد، چون جزئی است و یک سری خصوصیات دارد که متعلق به این نسخه است و نه نسخه‌ای دیگر از همین کتاب. در نتیجه باید موردتوجه قرار گیرد. این مورد را هم باید فهرست‌نویس به خوبی در فهرست‌نگارش معرفی کند و استفاده‌کننده نیز به کار فهرست‌نویس ارجاع می‌دهد.

■ آیا می‌بایست به وجود نسخ نسخه برگردان از یک نسخه در فهرست‌ها اشاره شود؟

□ اگر فاکسیمیلیه و یا نسخه‌های عکسبرداری شده از این نسخه در همین کتابخانه باشد می‌توان ارجاع کرد، ولی اگر در همین کتابخانه نباشد، لازم نیست چون مثل این است که به یک نسخه دیگر ارجاع داده می‌شود.

■ به هر حال برای مقایسه با نسخ دیگر مهم است؟

□ بله فقط همین است فاکسیمیلیه چون به قول شما چاپ شده است و در اختیار مردم است به حفظ نسخه اصلی کمک می‌کند.

حد است، احساس همدردی کند و با ملاحظات لازم، کتاب را در اختیار او قرار دهد.

- پس در کتابخانه ملی قانون مدونی وجود نداشته است؟
- تا آنجا که من اطلاع دارم، خیر.

■ از لحاظ موضوعی آیا محدودیتی در ارائه نسخ وجود دارد؟  
□ این مسائل بستگی به سیاست عمومی هر مملکت دارد، زیرا کتابخانه‌ها نیز تحت تأثیر سیاست عمومی هر کشور هستند و اگر حکومت قدغن کرده باشد و دستور ملزم داده باشد، کتابدار ناچار به رعایت این الزامات است. این‌ها بستگی به آزادی امور فرهنگی در هر کشور دارد.

■ در زمینه محدودیت انتشار و استفاده هم هیچ دستور العملی وجود نداشته است؟

□ آن موقع که ما بودیم، اسنادی نداشتیم مگر فردهای مالیاتی و سی چهل سند که چندان مهم نبود و در بخش نسخ خطی هم نگهداری می‌شد. اما گفته شده اسناد زیادی خریداری شده، به همین دلیل جای اسناد و نسخ خطی از هم جدا شده است.

■ در مورد کتابخانه‌های خارج از کشور این محدودیت‌ها چه بوده است؟

□ بعنوان نمونه در زمان هیتلر، کتب متعلق به یهودیان با امساک در اختیار مردم قرار می‌گرفت. همان طور که گفتیم این مسأله بستگی به روش سیاسی هر مملکت در مورد معارف و فرهنگ دارد.

■ به نظر می‌رسد تکنولوژی‌های جدید تهیه کپی‌ها سریع و اسکن اسناد، محدودیت استفاده از آن‌ها را کم کند و اصل سند نیز حفظ می‌شود.

□ بله چون اثرها، شیء هستند. هر چه در جهان به وجود می‌آید، به قول ارسطو، تحت کون و فساد است. یک کاغذ ممکن است بعد از مدتی عمرش تمام شود و از بین برود. من شنیده‌ام که در واتیکان، کاغذها را انژکسیون می‌زنند تا عمرشان را زیاد کنند. شاید همین عکسبرداری‌ها و کارهای دیجیتالی که روی نسخه‌ها انجام می‌شود، برای دوام اصل نسخه‌ها خوب باشد. شاید اصل نسخه روزی از بین برود، ولی دیجیتالی آن موجود است. بدین وسیله محدودیت‌ها کم‌تر شده و کارها در سطح وسیع‌تر انجام می‌شود.

■ آیا در هر دوره‌ای می‌تواند این محدودیت‌ها تغییر کند.  
□ بله شکی نیست. چنانچه در حکومت‌های کمونیستی، کتب غیر کمونیستی و دینی جزو کتب ضاله محسوب می‌شود یا در آمریکا کتب کمونیستی و مارکسیستی به سختی در اختیار مردم قرار می‌گرفت یا اگر قرار می‌دادند فقط به افراد مطمئن می‌دادند. این‌ها بستگی به سیاست هر کشور دارد. شنیده‌ام که در انگلستان هیچ‌گونه محدودیتی در زمینه دسترسی به کتب وجود ندارد.

■ جناب عالی برای کتابدارانی که تازه وارد کار نسخه‌شناسی

شده‌اند و تجربه‌ای ندارند، چه پیشنهاد و رهنمودهایی دارید؟  
□ اول کتابدار باید علاقه شدید داشته باشند که به هیچ عنوانی نبودن علاقه، کتابدار را کتابدار نمی‌کند. دوم اینکه باید به زبان کتاب مورد بررسی آگاه باشند، مثلاً اگر کتاب به زبان عربی است، و کتابدار به زبان عربی تسلط نداشته باشد باعث دلسردی او می‌گردد. سوم آن که کتابدارانی که به بررسی نسخ خطی می‌پردازند باید تا حدی با نظم و نثر فارسی و ادبیات متون آشنایی داشته باشند. در نهایت اینکه امروزه وجود فهرست فهارس برای کتابداران واجب است. علاوه بر اینکه غیر از فهرست فهارس، فهرست‌های دیگر هم اگر در کتابخانه موجود باشد و فهرست‌نگار بتواند از آن‌ها استفاده کند، بسیار برای فهرست‌نگاری او نافع است.

■ در مورد اسناد، تا چه مدت پس از تولید، می‌توان آن‌ها را چاپ کرد؟ آیا قانون متفاوتی در این زمینه در کشورهای مختلف وجود دارد؟

□ تا آنجا که من شنیده‌ام در انگلیس ۳۰ سال بعد از یک حادثه چاپ می‌شود. مگر سندی که موارد خاصی در آن لحاظ شده باشد. این زمان در آمریکا ۴۰ سال و در فرانسه ۸۰ سال است.

■ با سپاس از فرصتی که برای انجام این مصاحبه در اختیار ما گذاشتید.

■ در ایران این مدت چه قدر است؟  
□ تا آنجا که من اطلاع دارم مسأله اسناد، تازه در حال مطرح شدن است و در دسترس قرار دادن آن در درجه دوم قرار دارد. تا آنجا که من می‌دانم، آرشیو دقیقی از اسناد وجود ندارد. تا زمانی که آرشیو کاملی نباشد، نمی‌دانیم که ایران چه قانونی برای استفاده از اسناد وضع خواهد کرد. این مسائل بستگی به اوضاع روز موضوع اسناد و نظر دولت‌ها در زمینه دسترسی مردم به اسناد دارد.